

Fundamentals of Anti-oppression in Islam and the Role of Eulogists in Spreading the Spirit of Anti-oppression in Society¹

Abbas Heydarzadeh* Mahdi Farmaniyan**

Naser Mohammadi Rafi'i*** Habib Hatami Kankabud****

(Received on: 2020-03-24; Accepted on: 2020-09-21)

Abstract

The eulogists, as an influential group familiar with the school of *Ahl al-Bayt* (AS) (the Household of the Prophet), are obliged to express the principles of the Holy Quran and *Ahl al-Bayt* (AS) in anti-oppression for the people and thus spread the spirit of anti-oppression in the society. In this research, which has been done with a descriptive-analytical approach, we have first dealt with the principles of anti-oppression in the Qur'an, tradition and reason. Then, we have emphasized the role of the eulogists in informing the people about the oppression towards God and fighting against its examples such as polytheism, hypocrisy and illegitimate recourse. In the following, the role of the eulogists in creating enlightenment in the society in the fields of oppression of the people to the people, oppression of the people to themselves, oppression of the people to the ruler and oppression of the ruler to the people has been studied. The basic use of poetry as a tool of the eulogists in the fight against oppression from the beginning of Islam until now is another issue addressed in this research. We have also examined the essential role of the eulogists in three issues: 1. Spreading the spirit of struggle against the oppressive ruler in the society 2. Defeating the Pahlavi regime in the three stages of struggle 3. The holy defense and the defense of the holy shrines of Iraq and Syria in the attack of heterodox groups.

Keywords: Oppression, Anti-oppression, Arrogance, Eulogists.

1. This article is taken from: Abbas Heydarzadeh, "The Role of Eulogists in Spreading Correct Religious Teachings and Preventing Shiaphobia in the Islamic World", 2021, PhD Thesis, Supervisor: Mahdi Farmaniyan, Faculty of Theological Denominations, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.

* PhD Student in Theological Denominations, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding Author), abasheidarzadeh1213@gmail.com.

** Associate Professor, Department of Islamic Denominations, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, m.farmanian@chmail.ir.

*** Associate Professor, Department of Shiite Studies, Al-Mustafa International University, Qom, Iran, n.rafei110@yahoo.com.

**** Assistant Professor, Department of Knowledge, Lorestan University, Khorramabad, Iran, Hatami.ha@lu.ac.ir.

مبانی ظلم‌ستیزی در اسلام و نقش مداحان در گسترش روحیه ظلم‌ستیزی در جامعه^۱

عباس حیدرزاده*

مهدی فرمانیان** ناصر محمدی رفیعی*** حبیب حاتمی کنکبود****

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۳۱]

چکیده

مداحان به عنوان قشر تأثیرگذار و آشنای با مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) موظف‌اند مبانی قرآن کریم و اهل بیت (علیهم‌السلام) را در ظلم‌ستیزی برای مردم بیان کنند و از این طریق روحیه ظلم‌ستیزی را در جامعه گسترش دهند. در این تحقیق، که با رویکرد توصیفی تحلیلی انجام شده، ابتدا به مبانی ظلم‌ستیزی در قرآن، سنت و عقل پرداخته‌ایم. سپس بر نقش مداحان در آگاهی‌بخشی به مردم در زمینه ظلم به خداوند در اموری همچون شرک، ریا و توسل غیرمشروع و نیز مبارزه با آنها تأکید کرده‌ایم. در ادامه نقش مداحان در ایجاد روشنگری در جامعه در زمینه‌های ظلم مردم به مردم، ظلم مردم به خود، ظلم مردم به حاکم و ظلم حاکم به مردم بررسی شده است. کاربرد اساسی شعر به عنوان ابزار مداحان در مبارزه با ظلم از صدر اسلام تا کنون موضوع دیگری است که در این مقاله به آن پرداخته‌ایم. همچنین، نقش اساسی مداحان در گسترش روحیه مبارزه با حاکم ظالم در جامعه و پیروزی در سه مقطع مبارزه با رژیم پهلوی، دفاع مقدس و دفاع از حرم‌های عراق و سوریه در حمله گروه‌های تکفیری را بررسی کرده‌ایم.

کلیدواژه‌ها: ظلم، ظلم‌ستیزی، استکبار، مداحان.

۱. برگرفته از: عباس حیدرزاده، نقش مداحان در گسترش معارف صحیح دینی و جلوگیری از شیعه‌هراسی در جهان اسلام، رساله دکتری، استاد راهنما: مهدی فرمانیان، دانشکده مذاهب کلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران، ۱۳۹۹.

* دانشجوی دکتری مذاهب کلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول)
abasheidarzadeh1213@gmail.com

** دانشیار گروه مذاهب اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران m_farmanian@chmail.ir

*** دانشیار گروه شیعه‌شناسی، دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران n.rafeil10@yahoo.com

**** استادیار گروه معارف، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران Hatami.ha@lu.ac.ir

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است که به سبب مختاربودن، روابط گوناگونی با افراد مختلف شکل داده است. این روابط ممکن است برابر و همراه با احترام متقابل باشد، یا ممکن است نابرابر و ظالمانه باشد. رابطه ظالمانه بر مبنای روحیه تکبر و خودبرتربینی است. مبنای اندیشه تکبر و خودبرتربینی معرفت‌نداشتن به قدرت لایزال الهی و نداشتن ایمان و اعتقاد به معاد و روز رستاخیز است. این اندیشه به اندازه‌ای خطرناک است که انسان یا دولتی را مجاز می‌کند که برای رسیدن به مقاصد مادی و منافع بیشتر به حقوق انسان‌ها و کشورهای دیگر دست‌اندازی کند. دین اسلام در مواجهه با ظلم، مسلمانان را به مبارزه تمام‌عیار با آن دعوت کرده و به هیچ وجه اجازه سکوت و صبر در مقابل ظلم و ستم را به کسی نمی‌دهد.

۱. قرآن و ظلم‌ستیزی

خداوند قادر متعال هرگز به بندگانش ظلم و ستم نمی‌کند^۱ و به هیچ وجه اجازه ظلم و ستم به انسان‌ها را نمی‌دهد. قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت و منشور اسلام، ظلم را مسئله مهمی تلقی کرده و از رسولان الهی و امت‌ها خواسته است با ظلم و ستمگران مبارزه کنند. از منظر اسلام، برچیدن ظلم و برپایی عدالت آنچنان اهمیت دارد که از اولویت‌های برنامه‌های اجتماعی انبیای الهی است. خدای متعال برای تسلای خاطر پیامبر اسلام ﷺ و ایستادگی و صبر و شکیبایی آن حضرت در مبارزه با ظلم، داستان موسی علیه السلام را به او یادآوری می‌کند و می‌فرماید: «به خاطر بیاور هنگامی که خداوند به موسی خطاب کرد به سراغ قوم ستمگر برو». ^۲ نکته مهم اینکه وقتی به موسی علیه السلام دستور داده می‌شود به سوی فرعونیان برود تنها صفتی از آنها که بر آن تأکید شده است ظلم است؛ یعنی: ای موسی! برای مبارزه با ظلم به سوی فرعون حرکت کن. این فرمان بیانگر سنتی از جانب خدا است که برای مبارزه با ظلم باید حرکت کرد.

اجازه جهاددادن به مسلمانانی که تحت ستم مشرکان قرار گرفتند نکته دیگری است که قرآن کریم بر آن تأکید کرده است. ^۳ ظلم و ستم آنچنان زشت و قبیح است که حتی مسلمانان از نزدیک شدن به ظالم و تکیه بر او نیز نهی شده‌اند. ^۴ البته داشتن روابط تجاری یا علمی با غیرمسلمانان بر اساس حفظ استقلال و منافع مسلمانان از نظر اسلام ممنوع نیست، همان‌گونه که در زمان پیامبر ﷺ چنین روابطی وجود داشت.

۲. سیره پیامبر و امامان در ظلم‌ستیزی

پیامبر ﷺ به عنوان تبیین‌کننده شریعت اسلام و عمل‌کننده به دستورهای الهی در طول بیست‌وسه سال رسالت خود در مبارزه با ظلم و دفع ستمگران از هیچ کوششی دریغ نکرد. آن حضرت گرچه خودش تحت ظلم و ستم و اذیت و آزار کافران و مشرکان قرار گرفت و فرمود: «هیچ پیامبری به اندازه‌ای که من آزار دیدم آزار ندید» (اربلی، ۱۳۸۱: ۵۳۷/۲)، ولی هیچ‌گاه از مبارزه با ظلم دست برنداشت و در دفاع از مظلوم همواره می‌کوشید. از آنجا که کفر و شرک یکی از مظاهر ظلم به خدای متعال است و قرآن کریم شرک را «ظلم عظیم» خوانده و می‌فرماید: «به‌راستی شرک ستمی بزرگ است»،^۵ رسول خدا ﷺ شب و روز در حال مبارزه با کفار و مشرکان بود. جنگ‌های متعدد، مبارزات مستقیم و غیرمستقیم با ظلم و مظاهر آن در طول عمر آن حضرت بیانگر منطق و روش اسلام در ظلم‌ستیزی است. حضور پیامبر ﷺ در پیمان «حلف‌الفضول» برای دفاع از مظلومان و مبارزه و مقاومت در برابر ستمگران در دوران جاهلیت بیانگر ظلم‌ستیزی و دفاع از مظلومان در سیره وجودی آن حضرت است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵۶/۸۳).

بعد از پیامبر ﷺ امامان معصوم ﷺ نیز هیچ‌گاه در برابر ظلم سکوت نکرده و هر کدام در عصر خود به نوعی به مبارزه با ظلم و ستمگران پرداخته‌اند. نگاهی به فرجام سرنوشت ائمه اطهار ﷺ که با شمشیر یا زهر به شهادت رسیده‌اند، ثابت می‌کند که آنان در هر زمان از مبارزه با ظلم و حاکمان ستمگر دست برنداشته‌اند. حضرت علی (علیه السلام) اول مظلوم عالم است. ظلمی که در غصب خلافت بر او وارد شد بزرگ‌ترین ظلم تاریخ بر او و امت اسلام است، اما آن حضرت درباره ظلم به خودش برای حفظ اسلام و جلوگیری از تفرقه بین مسلمانان صبر کرد، ولی در مبارزه با ظلم به دیگران و دفاع از حق مظلومان لحظه‌ای درنگ نکرد. ایشان در سخنی زیبا فرمود: «به خدا سوگند داد ستم‌دیده را از ستمگر خواهم گرفت. من مهار ستمگر را چندان می‌کشم تا او را، هرچند دوست نداشته باشد، به سرچشمه حق برسانم» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴: ۱۹۴).

امام حسین (علیه السلام) نیز به عنوان شاخص‌ترین انسان ظلم‌ستیز در عالم، در سخنی قاطع و کوبنده، سازش با ظلم را ذلت و مرگ در راه مبارزه با ظالم را افتخار و عزت می‌داند و تصمیم خود را در مقابل حکومت ظالم و فاسد بنی‌امیه مشخص می‌کند و می‌فرماید: این فرومایه و فرزند فرومایه، اینک مرا میان دو راه و دو انتخاب قرار داده

است، پذیرش ذلّت و تسلیم خفّت‌بار در برابر فرومایگان و ستمگران حاکم، و مرگ پرافتخار و با عزّت و سرفرازی. و هیئات من الذلّه و چقدر دور است از ما که ذلّت و خواری را انتخاب کنیم (ابن‌نمای حلی، بی‌تا: ۴۳).

امام کاظم (علیه السلام) پس از اطلاع از اینکه یکی از شیعیان، به نام صفوان، شترهایش را به دستگاه خلافت هارون‌الرشید اجاره داده است به او فرمود: «چرا شترهایت را به این مرد ظالم اجاره داده‌ای؟». گفت: «اجاره‌دادم برای سفر معصیت نبود». امام (علیه السلام) فرمود: «اجاره‌بهایت را گرفته‌ای؟ یا لاقل مقداری از آن مانده؟». صفوان گفت: «بله مانده است». امام (علیه السلام) فرمود: «به دل خودت مراجعه کن. الان که شترهایت را به او اجاره داده‌ای آیا دلت علاقه‌مند است که لاقل هارون این قدر زنده بماند که برگردد و اجاره تو را بدهد؟». صفوان گفت: «بله». امام (علیه السلام) فرمود: «تو همین مقدار راضی به بقای ظلم هستی و همین گناه است» (کشی، ۱۳۸۲: ۷۴۰/۲).

۳. عقل و ظلم‌ستیزی

همان‌گونه که بعضی از اشیا از جهت شکل یا طعم یا آنچه با حواس پنج‌گانه درک می‌شوند، مقبول انسان واقع می‌شوند و انسان به آنها توجه می‌کند، بعضی اشیا هم تنفر، بی‌میلی و بی‌رغبتی انسان را برمی‌انگیزند. اعمال و رفتارهایی هم نزد عقل انسان خوب و پسندیده هستند، مانند: اخلاق نیکو، کمک به نیازمندان و عدالت؛ و بعضی اعمال نزد عقل انسان زشت و ناپسندند، مانند دروغ‌گفتن، فریب‌دادن و اقسام ظلم؛ حتّی قبیح ظلم از مستقلات عقلیه نزد عقل به شمار می‌آید (مظفر، ۱۳۷۴: ۲۹۵/۱). به همین دلیل، عقل سالم همواره به دنبال انجام‌دادن اعمال نیک و پسندیده و به دست آوردن سعادت دنیا و آخرت است. انسان عاقل نه ظلم می‌کند و نه ظلم را می‌پذیرد، زیرا تجاوز به حقوق دیگران ناشی از کمبود شخصیت و نقص انسان ستمگر است. همچنین، انسان عاقل به هیچ وجه حاضر نیست حق و حقوق انسانی خود را در معرض ظلم و غارت ستمگران ببیند. ظلم به خود و دیگران، ضرر و زیانش دیر یا زود، در این دنیا یا در سرای دیگر گریبانگیر خود انسان می‌شود. بر این اساس، عقل سالم بر جلوگیری از ظلم و مبارزه با آن حکم می‌کند. دفاع از حقوق انسانی و مبارزه با ظلم از بدیهیات عقلی است. هر انسان عاقل با هر مسلک و مرامی در هیچ اوضاع و احوالی نمی‌تواند ببیند که افرادی زیر بار ظلم مستکبران

از کمترین حقوق انسانی خود و حق استفاده از سرزمین خود محروم‌اند. بنابراین، ظلم‌ستیزی و مبارزه با ظالم، عملی است منطقی که پشتوانه عقلی دارد. همچنین، ارزش حیات هر انسانی به آزادی و استقلال او است. استفاده از نعمت‌های الهی و حدّ و حدودی که قانون برای انسان تعیین کرده، حقّ هر انسانی است. تجاوز و ظلم به حقوق انسان‌ها، غارت اموال و اشغال سرزمین‌ها، و کشتار انسان‌های بی‌گناه اموری است که انسان عاقل تحمّل دیدن آن و سکوت در برابر آن را ندارد.

۴. نقش اساسی مداحان در مبارزه با ظلم

مداحان اهل بیت (علیهم‌السلام) به عنوان تبیین‌کنندگان فضایل و مناقب ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و هدایتگران جامعه اسلامی باید سیره و روش آن بزرگان در مواجهه با ظلم در همهٔ زمینه‌ها را برای مردم بیان کنند تا از این طریق روحیه ظلم‌ستیزی در جامعه گسترش یابد. یکی از کارآمدترین ابزارها در مبارزه با ظلم و ستم شعر است. شعر با مضامین بدیع و تازه بر مبنای کتاب و سنت می‌تواند تأثیر شگرفی در شنوندگان در مبارزه با انواع ظلم‌ها داشته باشد. همچنین، شعر محکم و مستدل می‌تواند تأثیر چشمگیری بر تضعیف روحیه ظالمان و تقویت روحیه مستضعفان در مبارزه با ظلم و ستم داشته باشد.

مداحان با جمعیت‌های بسیاری که در مناسبت‌های مختلف، به‌ویژه دهه عاشورا، در اختیار دارند می‌توانند در قالب شعر و سبک‌های حماسی جنایات ظالمان را به تصویر بکشند و مردم را در مبارزه با ظالمان تهییج کنند. سابقه ظلم‌ستیزی مداحان و به‌کارگیری شعر در مبارزه با ظلم و شرک به صدر اسلام باز می‌گردد، هنگامی که مشرکان، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را هجو کردند آن حضرت از شاعران برای مبارزه با مشرکان کمک خواست و خطاب به صحابه خود فرمود: «چرا منع می‌کنید کسانی که رسول خدا را با شمشیرهای خود یاری کردند، با زبان خود او را یاری کنند؟!» (کاشانی، بی‌تا: ۴۶۲/۶). در این سخن، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) تأثیر شعر را هم‌ردیف شمشیر می‌داند و شاعران را در هجو کردن دشمنان اسلام و مبارزه با آنان فرا می‌خواند و به یاری می‌طلبد. در این هنگام بود که دو شاعر آن زمان حسان بن ثابت و ابن‌رواحه گفتند: «ای پیامبر خدا، چنانچه فرمان دهی، آنان را هجو خواهیم کرد». پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در جواب آنان فرمود: «آنان را هجو کنید، روح القدس با شما است» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۳۷۰/۱۴). لذا حسان بن ثابت و ابن‌رواحه

اشعاری در حمایت از پیامبر ﷺ و علیه ابوسفیان سرودند. این اشعار بسیار ارزشمند و تأثیرگذار بود (ابن‌منظور، ۱۴۱۹: ۳۰۶/۱۲).

در زمان امامان معصوم علیهم‌السلام نیز شاعران و مداحانی همچون فرزدق، کمیت و سید حمیری، با اشعار خود علیه ظلم قیام، و با آن مبارزه کردند. قرائت و ترویج این اشعار سبب گسترش روحیه ظلم‌ستیزی و مبارزه با ستمگران و غاصبان در جامعه بود. کمیت بن زید اسدی در زمان امام باقر علیه‌السلام با اشعارش علیه ظلمی که به اهل بیت علیهم‌السلام شده بود به میدان آمد. او در اشعار خود در مقابله با ظلم و دفاع از اهل بیت علیهم‌السلام از آیات قرآن استفاده کرد (حسینی واسطی زبیدی، ۱۴۱۴: ۲۱۷/۲). در زمان‌های بعد از ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز شاعران پُرشماری در میدان مبارزه با ظلم شعر سروده‌اند، از جمله اهلی شیرازی، شاعر سده دهم هجری، و صائب تبریزی، شاعر قرن یازدهم هجری (صائب تبریزی، ۱۳۹۶: ۲۹۵۱). تا قرن دهم و در زمان حکومت صفویان، مداحی مستقلاً وجود نداشت. شاعری که شعر می‌سرود خودش شعر را در محافل قرائت می‌کرد. در زمان صفویه هنر مداحی مستقلاً جدای از شعر به وجود آمد و در زمان حکومت قاجار نیز ادامه یافت.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، با رونق گرفتن مجالس مذهبی، مداحی به دوران اوج خود رسید. مداحان از دهه پنجاه تا دهه نود هجری شمسی در مقاطع حسّاس داخلی و خارجی بارها توانستند با الهام از مکتب عاشورا، روحیه ظلم‌ستیزی را در جامعه گسترش دهند و ملت ایران را در صحنه‌های مختلف، در مبارزه با ظلم و جنایت صاحب پیروزی‌های چشمگیری کنند. تأثیر سخن و شعر مداحان صرفاً در گسترش مبارزه با حاکمان ظالم نیست بلکه در همه زمینه‌هایی که انسان‌ها مرتکب ظلم می‌شوند مداحان موظف‌اند با استفاده از آیات و روایت مردم را آگاه کنند و روحیه ظلم‌ستیزی را در جامعه به وجود آورند.

۵. ظلم مردم به خداوند

مهم‌ترین ظلمی که انسان مرتکب می‌شود ظلم به خداوند متعال است. ظلم به خداوند متعال منشأ بسیاری از گناهان است. در این بخش به سه نمونه از ظلم‌هایی می‌پردازیم که ممکن است مردم در حق خدا انجام دهند. همچنین، نقش مداحان را در گسترش روحیه مبارزه با این‌گونه ظلم‌ها در جامعه یادآور می‌شویم. یکی از بزرگ‌ترین ظلم‌های انسان در حق خدای متعال «شرک» است.

۵. ۱. شرک

شریک قراردادادن برای ذات مقدس الاهی بالاترین ظلم است. هر حرکت تخریبی و ضدالاهی از شرک سرچشمه می‌گیرد. دنیاپرستی، مقام‌پرستی، هواپرستی و مانند اینها هر کدام شاخه‌ای از شرک محسوب می‌شود. چه ظلمی از این بالاتر که موجود بی‌ارزش و مخلوق بی‌مقداری را همتای خدای سبحان بدانند؟ لقمان حکیم در سفارشی به فرزندش می‌فرماید: «پسرم، به خدا شرک می‌آور که به‌راستی شرک ستمی بزرگ است».^۶

انسان با کمی دقت در اعمال و رفتار روزمره خود متوجه نمونه‌های متعددی از شرک به خدای متعال می‌شود که گاه اصلاً توجه ندارد، اما در فکر، عمل، رفتار و گفتار او شرک است. مثلاً شخصی فرزندش بیمار است. او را نزد پزشک می‌برد، به این امید که پزشک فرزندش را از بیماری نجات دهد، در حالی که پزشک فقط وسیله‌ای برای معاینه، تشخیص و تجویز دارو است. اما خوب‌شدن و شفا دست خدا است. چه بسا حاذق‌ترین پزشکان از درمان حتی پدر و مادر خود یا فرزندان خود عاجز بوده‌اند. حضرت ابراهیم (علیه السلام) در جواب مشرکان و بت‌پرستان، پروردگار عالمیان را توصیف می‌کند و نعمت‌های او را برمی‌شمرد و در این زمینه می‌فرماید: «هنگامی که بیمار شوم او مرا درمان می‌بخشد».^۷

توجه‌دادن به «شرک» و عواقب آن و آگاهی‌بخشی به جامعه، بر پایه آیات و روایات، وظیفه مداحان به عنوان گسترش‌دهندگان معارف صحیح دینی است. آنها باید با عمل به وظیفه بتوانند روحیه مبارزه با مظاهر شرک در جامعه را ایجاد کنند.

۵. ۲. ریا

«ریا» از ماده «رأی»، یعنی کسی که کاری را به انگیزه جلب توجه مردم انجام می‌دهد (ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۲/۴۷۳). یکی دیگر از اعمالی که در ردیف ظلم به خدا قرار می‌گیرد و به عنوان «شرک اصغر» از آن یاد می‌شود «ریا» است. در ریا انسان به خشنودی خدا توجه ندارد، فقط به خوشایند دیگران و رسیدن به مطلوب خود توجه می‌کند. در حقیقت، شخص ریاکار عملش را برای جلب توجه دیگران و به دست آوردن مسائل مادی از قبیل مال، مقام و شهرت انجام می‌دهد و دوست دارد مردم او را تحسین کنند و به اینکه آیا این عمل مشمول عنایت خدای متعال هست یا خیر توجهی

ندارد. «ریا» ممکن است در مسائل عبادی مانند نماز و روزه باشد و ممکن است در مسائل دیگر مانند انفاق و انجام دادن کار خیر و برپایی مجالس اهل بیت علیهم‌السلام باشد.

قرآن کریم ریاکاران را مردمانی بی‌ایمان به خدا و معاد معرفی می‌کند و می‌فرماید ریا عمل را باطل می‌کند و ریاکاران اموالشان را برای خودنمایی انفاق می‌کنند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدقه‌های خود را با منت و آزار، باطل مکنید، مانند کسی که مالش را برای خودنمایی به مردم، انفاق می‌کند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارد» (بقره: ۲۶۴). پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز ریا را «شرک کوچک» نامیده است:

ترسناک‌ترین چیزی که از آن برای شما بیمناکم شرک کوچک است. پرسیدند: «شرک کوچک چیست؟». فرمود: «ریا». خداوند در روز قیامت، هنگامی که به بندگانش پاداش اعمالشان را می‌دهد به ریاکاران می‌فرماید: «بروید نزد کسانی که برای آنان ریا می‌کردید و ببینید آیا پاداش اعمال خود را نزد آنان می‌یابید» (ورام، ۱۴۱۰: ۱۸۷/۱).

توجه‌دهی و روشنگری مردم بر اساس آیات و روایات در زمینه «ریا» و مسائل مربوط به آن وظیفه مداحان است. آنها موظف‌اند در قالب اشعار و نثر مردم را درباره «ریا» و از بین رفتن آثار اعمالی که آلوده به «ریا» است آگاه کنند و روحیه مبارزه با آن را در جامعه به وجود آورند.

۵. ۳. توسل غیرمشروع

توسل غیرمشروع ظلم دیگری به ساحت قدسی خدای متعال است و به نوعی شرک محسوب می‌شود. مداحان موظف‌اند ضمن اینکه خود از توسل غیرمشروع باید خودداری کنند، مردم را نیز از آن آگاه کنند و روحیه مبارزه با آن را در جامعه گسترش دهند.

«توسل در اصطلاح مسلمانان به معنای واسطه قرار دادن اولیای الهی به درگاه خداوند، به منظور برآورده شدن حاجات است» (روحانی، ۱۳۸۴: ۴۹)، اما شرک و توسل غیرمشروع این است که غیر از خدای متعال را مستقل و در برابر خدا مؤثر بدانند، و در واقع حاجت خود را از غیرخدا بخواهد. از منظر قرآن کریم، توسل مشروع مانعی ندارد و از دوران‌های قدیم مردم، اولیای الهی را برای برآورده شدن حاجات خود به درگاه خدای متعال واسطه قرار می‌دادند. قرآن کریم در سوره‌های مائده (آیه ۳۵) و یوسف

(آیات ۹۷-۹۸)، وسیله قراردادن برای تقرّب و برآورده‌شدن حاجات به درگاه الهی را یادآور شده و نمونه‌هایی از واسطه قراردادن اولیای الهی به درگاه خدای متعال را ذکر کرده است. سوره نساء (آیه ۶۴) درباره واسطه قراردادن پیامبر ﷺ می‌فرماید: «اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند، پیش تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر [نیز] برای آنان طلب آمرزش می‌کرد، قطعاً خدا را توبه‌پذیر مهربان می‌یافتند».^۸

روایات متعددی وجود دارد که مردم برای برآورده‌شدن حاجات خود و رفع گرفتاری‌ها به حضور پیامبر ﷺ و ائمه اطهار ﷺ می‌رسیدند و حاجت یا مشکل‌شان را بیان می‌کردند و پیامبر ﷺ و امامان معصوم ﷺ برایشان دعا می‌کردند یا طریقه توسل مشروع را به آنان یاد می‌دادند (طبرسی، ۱۴۱۲: ۳۹۶). بنابراین، وظیفه روشنگری و هدایتی مداحان ایجاب می‌کند، طبق آیات و روایات برای مردم تبیین کنند که قدرت مطلق از آن خدای متعال است، شفای مریض و برآورده‌شدن حاجت‌ها فقط به اذن خدای سبحان است. معصومان ﷺ به عنوان اولیای الهی و آبرومندان درگاه خدای متعال فقط می‌توانند واسطه شوند و حاجت‌های افراد را از خدا طلب کنند. مستقل قراردادن امامان معصوم ﷺ در برابر خدای متعال در مسئله توسل و برآورده‌شدن حاجات، شرک و ظلم به ذات اقدس الهی است.

۶. ظلم مردم به مردم

گاهی برخی انسان‌ها به هم‌نوع خود ظلم می‌کنند و حقوق دیگران را از بین می‌برند. این افراد در حقیقت به خودشان ظلم کرده، خود را دچار خشم و عذاب الهی می‌کنند. ظلم به دیگران مصادیق فراوان دارد، از جمله کم‌فروشی، آزار همسایگان، تهمت‌زدن، غش در معامله و تصرف در مال دیگران، خوردن مال یتیم و نمونه‌های دیگری که در آیات و روایات به آنها اشاره شده است. خدای متعال کسانی را که به دیگران ظلم می‌کنند مؤاخذه می‌کند و می‌فرماید: «تنها راه مؤاخذه بر آنهایی است که به مردم ظلم کنند».^۹

اساساً در اسلام ظلم انسانی به انسان دیگر همواره قبیح و زشت شمرده شده است. سیره و سنت پیامبر ﷺ و ائمه اطهار ﷺ در مواجهه با ظلم مردم به مردم، بسیار روشن و قاطع است، و بعضاً با این‌گونه ظلم‌ها به شدت رفتار شده و عواقب بسیار سنگینی برای آن نقل شده است. مثلاً پیامبر ﷺ درباره عقوبت کسانی که اموال ایتام را از روی

ظلم تصاحب می‌کنند فرمود: «روز قیامت از دهان عده‌ای آتش خارج می‌شود». پرسیدند: «اینها چه کسانی هستند؟». فرمود: «افرادی که اموال یتیمان را از روی ستم می‌خورند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰/۷۲). یکی از موضوعاتی که می‌تواند به سلامت جامعه و اصلاح روابط بین مردم کمک فراوانی کند رعایت عدالت و انصاف و برچیده‌شدن بساط ظلم مردم به همنوع خود است. هنگامی که کم‌فروشی، آزار همسایه، غش در معامله، تهمت به دیگران، تصرف مال غیر و خوردن مال یتیم و مانند اینها از جامعه برچیده شود، جامعه رنگ و بوی عدالت و اسلام حقیقی به خود می‌گیرد. تحقق اینها یکی دیگر از وظایف مداحان و ستایشگران اهل بیت علیهم‌السلام است. آنها در مناسبت‌های مختلف مذهبی جمعیت‌های بسیار در اختیار دارند که می‌توانند با نفوذ کلام خود و شعر و آهنگ‌های مناسب، با استفاده از آیات و روایات، مردم را با سیره اهل بیت علیهم‌السلام در زمینه «نهی ظلم مردم به مردم» آشنا کنند و این مشکل را از جامعه اسلامی برچینند.

۷. ظلم مردم به خود

ظلم دیگری که مداحان در راستای تبیین کتاب و سنت و سیره اهل بیت علیهم‌السلام وظیفه دارند جامعه را از آن آگاه کنند و زمینه گسترش ستیز و مبارزه با آن را در بین مردم توسعه دهند، ظلم مردم به خودشان است. انسان هنگامی که دچار گناه شود و از دستورهای الهی سرپیچی کند در واقع به خودش ظلم کرده است. قرآن کریم در سوره طلاق می‌فرماید: «هر کس از مقررات خدا [پای] فراتر نهد، قطعاً به خودش ستم کرده است».^{۱۰} از منظر قرآن کریم، گناهانی مانند دروغ، تکبر، کفر، شرک‌ورزیدن، استهزا، خودبرتربینی، کفران نعمت، استکبار و جهل، از مصادیق ظلم به خود محسوب می‌شود. انسان با گناه کردن، نه فقط به خودش ظلم می‌کند بلکه باعث از بین بردن نعمت، و نزول بلا نیز می‌شود. قرآن کریم درباره اینکه انسان با اعمالش سبب تغییر سرنوشت خود و نزول بلا می‌شود می‌فرماید: «در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند».^{۱۱} حضرت علی علیه‌السلام برای بیدارکردن گناهکاران از خواب غفلت و نجاتشان از ورطه نافرمانی و معصیت و ستم به خویشتن، در سخنی پندآموز این‌گونه می‌فرماید:

ای انسان، چه کسی تو را به گناه کردن دلیر کرد؟ و چه چیز تو را به

پروردگارت مغرور نمود؟ و چه چیز تو را به هلاکت خویش دل بسته ساخت؟ آیا دردت را درمانی نیست؟ آیا از این خواب گران، دیده نمی‌گشایی؟ چرا آن گونه که به دیگران مهر می‌ورزی به خود مهربان نیستی؟ بسا کسی را در تابش آفتاب بینی و از سر ترخم بر او سایه افکنی یا بیماری پیکرش را دردمند ساخته و بر او از سر دلسوزی بگیری ... از چیست که بر جان خود، که در نزد تو عزیزترین جان‌ها است، اشکی نمی‌ریزی؟ چرا شبیخون کیفر خداوندی از خواب غفلت بر نمی‌انگیزد و حال آنکه، نافرمانی‌هایت تو را به ورطه قهر او افکنده است (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۳۳۴).

بنابراین، کثرت گناه در جامعه و «ظلم به خود» مسئله بسیار مهمی است که باعث از بین رفتن نعمات الهی و نزول بلا می‌شود. لذا مداحان موظف‌اند در مجالس و مناظر، مردم را از این موضوع و عواقب آن آگاه کنند و زمینه مبارزه با آن را در جامعه فراهم آورند.

۸. ظلم مردم به حاکم

از منظر دینی، حق حاکمیت از آن خدای متعال است.^{۱۲} پروردگار عالم این حق را از طریق انسان‌هایی که خلیفه‌الله هستند، اعمال می‌کند. «خلیفه‌الله» در تعبیر قرآن کریم، علاوه بر خلافت صفاتی، شامل خلافت حکومتی نیز هست، که البته وجه غالب، همان خلافت در حکومت است (ص: ۲۶). خلیفه خدا، انسانی وارسته، زبده، حکیم، عارف به احکام خدا و مهذب است که بر اساس آگاهی عمیقی که از متن مذهب و شریعت دارد، حدود و احکام الهی را اجرا می‌کند و در مقام تبیین و تشریح و تحقق مکتب در واقعیت اجتماعی می‌کوشد. در این نگاه، پیامبر و امام معصوم (علیهم‌السلام) و حاکم عادل اسلامی، همان گونه که خدای متعال دستورهای تشریحی خود را نازل کرده است به اجرای حکم الهی مبادرت می‌کنند. بنابراین، هر گونه مخالفت و همراهی نکردن با پیامبر و امام معصوم (علیهم‌السلام) و حاکم عادل اسلامی به منزله مخالفت با حکم الهی است و در واقع، رعایت نکردن حق حاکم است و به نوعی ظلم محسوب می‌شود. قرآن کریم در تعبیری می‌فرماید: «هر کس احکام الهی را رعایت نکند از ستمکاران است».^{۱۳}

حضرت علی (علیه‌السلام) در سخنی حق خود بر مردم را مشخص می‌کند و می‌فرماید: «به بیعتی که با من دارید وفا کنید و در پیدا و پنهان حق خیرخواهی را ادا نمایید. و

هنگامی که شما را فرا می‌خوانم بیایید و فرمان مرا بپذیرید و به آن عمل کنید» (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۷۹). بی‌توجهی مردم به رعایت این حقوق سخنان دردآلود حضرت را در پی داشت: «ای مردنمایان نامرد ... خدا شما را بکشد که دل من از دست شما پُر خون و سینه‌ام مملو از خشم به شما است. کاسه‌های غم و اندوه را جرعه‌جرعه به من نوشاندید و با نافرمانی و ذلت‌پذیری رأی و تدبیر مرا تباه کردید» (همان: ۷۰).

در این بخش، مداحان وظیفه مهمی در جهت آگاهی‌بخشی به مردم به منظور پیروی و اطاعت از دستورهای ائمه علیهم‌السلام و نیز پیروی از حاکم اسلامی در زمان غیبت بر عهده دارند. آنها باید با تکیه بر آموزه‌های قرآنی و روایات در قالب شعر و نثر مردم را از وظایفی که در قبال امام معصوم و حاکم اسلامی دارند مطلع، و آنها را از عواقب رعایت نکردن حق آنان آگاه کنند. تحقق این امر سبب وحدت، یکپارچگی و پیشرفت جامعه اسلامی در همه سطوح می‌شود.

۹. ظلم حاکم به مردم

ظلم و ستم حاکمان جور، جامعه را به ورطه بی‌عدالتی سوق می‌دهد و انسان‌ها را بی‌انگیزه و برده خود می‌کند. مبارزه با ظلم، سنت الهی و سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام است. جامعه‌ای که در آن فرهنگ ظلم‌ستیزی وجود نداشته باشد در برابر ظلم و ستم تسلیم می‌شود. در چنین اوضاع و احوالی اشرار و بدترین افراد بر جامعه مسلط می‌شوند. با تسلط ظالمان، فساد و تباهی، جامعه را فرا می‌گیرد. قرآن کریم در سوره بقره می‌فرماید: «اگر خداوند برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، قطعاً زمین تباه می‌گردید». ^{۱۴} بنابراین، به منظور جلوگیری از انحطاط جامعه و برچیده شدن ظلم لازم است روحیه ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی در جامعه گسترش یابد. قرآن کریم در راستای مبارزه با ظلم، ضمن نکوهش از صدای بلند، حق فریادکشی علیه ظالمان را به رسمیت می‌شناسد و می‌فرماید: «خداوند، بانگ برداشتن به بدزبانی را دوست ندارد، مگر [از] کسی که بر او ستم رفته باشد». ^{۱۵}

منطق اسلام در مبارزه با ظلم همه‌جانبه است؛ یعنی همه افراد جامعه باید برای مبارزه با ظلم اقدام کنند و اگر کسانی برای مبارزه و مقابله با ظلم قیام نکنند، چه بسا خدای متعال همه آن جامعه را به عذاب مبتلا کند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در حدیثی فرمود: «اگر

مردم ستمگری را دیدند و از ظلم او جلوگیری نکردند بیم آن است که خدا همه را به عذاب مبتلا کند» (فخر رازی، ۱۴۰۱: ۲۰/۱۹). در ادامه، به نقش مهم مداحان در مبارزه با ظلم حاکم بر مردم و نتایج و آثار آن می‌پردازیم.

۱۰. نقش مداحان در پیروزی انقلاب اسلامی

در دوران مبارزه مردم ایران علیه رژیم پهلوی به رهبری امام خمینی، مداحان با اجرای اشعار انقلابی و ظلم‌ستیزانه و با الهام از منطق ذلت‌ناپذیری مکتب عاشورا، همراه با آهنگ‌های حماسی، روحیه مبارزه با ظلم و جنایات رژیم پهلوی را در جامعه گسترش دادند. خیزش همگانی مردم با شعار محوری «هیئات من الذلّه» نویدبخش پیروزی مردم بر حکومت ظالم پهلوی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ بود. برای نمونه، یکی از اشعار مداحان در مجالس برای تهییج و ترغیب مردم، شعر خوشدل تهرانی بود:

بزرگ‌فلسفه قتل شاه دین این است که مرگ سرخ به از زندگی ننگین
نه ظلم کن به کسی نی به زیر ظلم برو که این مرام حسین است و منطق دین

(محدثی، ۱۳۷۴: ۳۹۹)

۱۱. مداحان و دفاع مقدس

با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سال ۱۳۵۹، مداحان توانستند با اجرای اشعار ظلم‌ستیزانه و الهام از شجاعت یاران امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا، روحیه ظلم‌ستیزی و دفاع از میهن را در بین مردم گسترش دهند. تأثیر این اشعار به حدی بود که جوانان صف به صف داوطلبانه در جبهه‌ها حضور می‌یافتند. شب‌های عملیات، قرائت زیارت عاشورا و اجرای سینه‌زنی و مرثیه‌های عاشورایی، روحیه مضاعفی در رزمندگان اسلام در رویارویی با متجاوزان بعثی ایجاد می‌کرد. تأثیر این مرثیه‌ها به حدی بود که رزمندگان آرزوی شهادت می‌کردند. همچنین، مردم در پشت جبهه‌ها متأثر از این اشعار و در مقابله با ظلم و تجاوز رژیم بعث عراق، از رزمندگان اسلام، که در میدان‌های نبرد مشغول بودند، پشتیبانی می‌کردند. در نهایت، پس از هشت سال مبارزه و مقاومت ملت ایران در برابر ظلم و تجاوز، بدون اینکه یک وجب از خاک میهن به

دست دشمن بیفتد ملت ایران قهرمانانه به پیروزی رسید. در این خصوص می‌توان به شعر معروف «ای لشکر صاحب‌زمان آماده باش آماده باش * بهر نبردی بی‌امان آماده باش آماده باش» با اجرای مداح اهل بیت (علیهم‌السلام) آقای صادق آهنگران در تشجیع و ترغیب مردم به مبارزه با ظلم و تجاوز رژیم بعثی عراق اشاره کرد که با آهنگی حماسی و پُرشور اجرا می‌شد.

۱۲. مداحان و مدافعان حرم

پس از تشکیل گروه تکفیری داعش در سال ۲۰۰۶ در کشور عراق و سوریه، این گروه با حمایت آمریکا و دیگر قدرت‌های مستکبر، دست به اشغال و تخریب اماکن مقدس و اموال عمومی زدند. در این هنگام مداحان اهل بیت (علیهم‌السلام) به میدان مبارزه با ظلم و جنایات داعش آمدند. آنها با استفاده از اشعار ظلم‌ستیزانه و الهام از نهضت عاشورا و ذلت‌ناپذیری امام حسین (علیهم‌السلام) توانستند روحیه ظلم‌ستیزی و مقابله با ظلم و جنایات داعش را در بین عاشقان اهل بیت (علیهم‌السلام) و آزادی‌خواهان عالم ایجاد کنند. در نتیجه جوانان بسیاری از ایران و کشورهای مختلف در دفاع از حرم‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) در عراق و سوریه عازم رویارویی با گروه‌های متجاوز و خون‌ریز تکفیری شدند. در جبهه‌های نبرد علیه گروه‌های تکفیری نیز مداحان با حضور خود سبب تقویت روحیه ظلم‌ستیزی رزمندگان بودند. تأثیر کار مداحان در گسترش روحیه ظلم‌ستیزی، حضور بانگیزه جوانان در جبهه‌های نبرد علیه گروه‌های تکفیری بود. انگیزه حضور و دفع ظلم، جوانان را تا مرز شهادت سوق می‌داد. شهید محسن حججی، به هنگام اسارت در سرزمین سوریه به دست گروه تکفیری داعش، لحظه‌ای تسلیم نشد و تا هنگامی که سر از بدنش جدا کردند دست از آرمان و هدف خود، که دفع ظلم و دفاع از مظلوم بود، برنداشت. برای نمونه، اشعار مداح اهل بیت (علیهم‌السلام) آقای سید رضا نریمانی، به یاد شهدای مدافع حرم و ایجاد انگیزه در جوانان برای ادامه راه شهدای مدافع حرم با آهنگی دلنشین اجرا می‌شد. قرائت این اشعار سبب ایجاد انگیزه فراوان در جامعه برای مقابله با ظلم و تجاوز داعش شد.

نتیجه

با توجه به نمونه‌هایی که در این نوشتار به آن اشاره شد، مداحان قابلیت‌های فراوانی در ایجاد روحیه ظلم‌ستیزی در جامعه دارند که بخش اعظمی از آن به جایگاهی که ایشان در بین مردم دارند، برمی‌گردد. لذا آنان موظف‌اند در جلسات خود، مردم را از ظلم‌هایی که خواسته یا ناخواسته در حق خود یا دیگران مرتکب می‌شوند آگاه کنند و آنها را برای مبارزه با چنین مظالمی تشویق و ترغیب کنند. با توجه به سنت پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام، که از شعر مانند شمشیری علیه دشمنان استفاده می‌کردند، مداحان ظرفیت‌های چشمگیری در گسترش روحیه مبارزه با دولت‌های ظالمان و مستکبران در بین مردم دارند. البته دستگاه‌های فرهنگی کشور، اعم از سازمان تبلیغات، وزارت ارشاد، صدا و سیما، بسیج مداحان و ... موظف‌اند با آموزش، سازمان‌دهی و تغذیه محتوایی مداحان، این نیروی عظیم تأثیرگذار را به فعلیت برسانند و از آن در گسترش و ایجاد روحیه همگانی در جهان اسلام علیه ظلم و استکبار استفاده کنند.

پی‌نوشت‌ها

۱. «لَيْسَ بِظُلَامٍ لِّلْعَبِيدِ» (آل عمران: ۸۲).
۲. «وَ إِذْ نَادَى رُبُّكَ مُوسَىٰ أَنِ اتَّبِعِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (شعراء: ۱۰).
۳. «أَذِنَ لِلَّذِينَ يَقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج: ۳۹).
۴. «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمْسِكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ» (هود: ۱۱۳).
۵. «إِنَّ الشُّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان: ۱۳).
۶. «يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشُّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان: ۱۳).
۷. «وَ إِذَا مَرَضَتْ فَهْوَىٰ يَشْفِينُ» (شعراء: ۸۰).
۸. «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا» (نساء: ۶۴).
۹. «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ» (شوری: ۴۲).
۱۰. «وَ مَن يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ» (طلاق: ۱).
۱۱. «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَهُ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱).
۱۲. «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» (انعام: ۵۷).
۱۳. «وَ مَن يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (بقره: ۲۲۹).
۱۴. «وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ» (بقره: ۲۵۱).
۱۵. «لَا يَجِبُ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَن ظَلِمَ وَ كَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا» (نساء: ۱۴۸).

منابع

قرآن کریم.

ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۹). *لسان العرب*، تصحيح: محمد صادق عبيدى، بيروت: دار احياء التراث العربى، ج ۶.

ابن نماى حلى، جعفر بن محمد (بى‌تا). *مثير الاحزان*، ترجمه: على كرم، قم: حاذق.

ابو الفتوح رازى، حسين بن على (۱۴۰۸). *روض الجنان و روح الجنان فى تفسير القرآن*، ترجمه: محمد مهدى ناصح، مشهد: آستان قدس رضوى، ج ۱۴.

اربلى، محمد بن عيسى (۱۳۸۱). *كشف الغمة فى معرفة الأئمة* عليه السلام تحقيق: هاشم رسولى محلاتى، تبريز: بنى هاشمى، ج ۲.

حسينى واسطى زبيدى، سيد مرتضى (۱۴۱۴). *تاج العروس من جواهر القاموس*، بيروت: دار الفكر، الطبعة الاولى.

روحانى، سيد محمد كاظم (۱۳۸۴). *شفاعت و توسل*، قم: دفتر نشر معارف، چاپ سوم.

شريف الرضى، محمد بن حسين (۱۴۱۴). *نهج البلاغه*، تحقيق: صبحى صالح، قم: هجرت. صائب تبريزى (۱۳۹۶). *ديوان شعر*، بى‌جا: نگاه.

طبرسى، حسن بن فضل (۱۴۱۲). *مكارم الاخلاق*، قم: الشريف الرضى.

فخر رازى، محمد بن عمر (۱۴۰۱). *تفسير كبير*، بيروت: دار الفكر.

كاشانى، فتح الله بن شكر الله (بى‌تا). *منهج الصادقين فى إلزام المخالفين*، تهران: اسلاميه.

كشى، محمد بن عمر (۱۳۸۲). *رجال*، تصحيح: فاضل ميبدى، قم: آل البيت عليه السلام.

مجلسى، محمد باقر (۱۴۰۳). *بحار الانوار*، بيروت: دار إحياء التراث العربى.

محدثى، جواد (۱۳۷۴). *فرهنگ عاشورا*، قم: معروف.

مظفر، محمدرضا (۱۳۷۴). *المنطق*، تهران: دار العلم، ج ۱.

ورام بن أبى فراس، مسعود بن عيسى (۱۴۱۰). *مجموعه ورام*، قم: مكتبة فقيه، ج ۱.

References

The Holy Quran

- Abu al-Fotuh Razi, Hoseyn ibn Ali. 1988. *Roz al-Jenan wa Ruh al-Janan fi Tafsir al-Qoran (Gardens of Heavens and the Spirit of Hearts in the Interpretation of the Quran)*, Translated by Mohammad Mahdi Naseh, Mashhad: Astan Qods Razawi, vol. 14. [in Farsi]
- Erbeli, Mohammad ibn Isa. 2003. *Kashf al-Ghommah fi Marefah al-Aemmah (AS)*, Researched by Hashem Rasuli Mahallati, Tabriz: Bani Hashemi, vol. 2. [in Arabic]
- Fakhr Razi, Mohammad ibn Omar. 1981. *Tafsir Kabir (Great Exegesis)*, Beirut: Institute of Thought. [in Arabic]
- Hoseyni Waseti Zobeydi, Seyyed Morteza. 1993. *Taj al-Arus men Jawaher al-Ghamus*, Beirut: Institute of Thought, First Edition. [in Arabic]
- Ibn Manzur, Muḥammad ibn Mukarram. 1998. *Lesan al-Arab (Language of Arabs)*, Edited by Mohammad Sadegh Abidi, Beirut: Foundation for the Revival of Arabic Heritage, vol. 6. [in Arabic].
- Ibn Namay Helli, Jafar ibn Mohammad. n.d. *Mothir al-Ahzan*, Translated by Ali Karam, Qom: Hazegh. [in Farsi]
- Kashani, Fathollah ibn Shokrollah. n.d. *Manhaj al-Sadeghayn fi Elzam al-Mokhalephin (The Method of the Honest in Convincing the Opponents)*, Tehran: Islamiyah. [in Arabic]
- Kashi, Mohammad ibn Omar. 2004. *Rejal (Men)*, Edited by Fazel Meybodi, Qom: Al al-Bayt (AS). [in Arabic]
- Majlesi, Mohammad Bagher. 1983. *Behar al-Anwar (Oceans of the Lights)*, Beirut: Foundation for the Revival of Arabic Heritage. [in Arabic]
- Mohaddethi, Jawad. 1996. *Farhang Ashura (Ashura Culture)*, Qom: Maruf. [in Farsi]
- Mozaffar, Mohammad Rez. 1996. *Al-Mantegh (Logic)*, Tehran: Science Institute, vol. 1. [in Arabic]
- Rohani, Seyyed Mohammad Kazem. 2006. *Shafaat wa Tawassol (Intercession and Recourse)*, Qom: Knowledge Publishing Office, Third Edition. [in Farsi]
- Saeb Tabrizi. 2018. *Diwan She 'r (Poetry)*, n.p: Negah. [in Farsi]
- Sharif al-Razi, Mohammad ibn Hoseyn. 1993. *Nahj al-Balaghah*, Researched by Sobhi Saleh, Qom: Hejrat. [in Arabic]
- Tabresi, Hasan ibn Fazl. 1991. *Makarem al-Akhlagh (Honorable Morals)*, Qom: Al-Sharif al-Razi. [in Arabic]
- Warram ibn Abi Feras, Masud ibn Isa. 1990. *Majmuah Warram*, Qom: Jurisprudential Library, vol. 1. [in Arabic]